

قرآن و استقلال اقتصادی زنان^۱

چکیده

با ظهور اسلام، تحولی عظیم در وضعیت زنان پدید آمد. که نقش مهمی در رساندن زنان به حقوق خود ایفا کرد. قرآن کریم در آیات متعددی به ذکر این حقوق پرداخته است. از جمله ی این حقوق، حقوق مالی زن است که قرآن این حق را برای زنان به رسمیت شناخته است و بیان میکند، اگر زن از طریق اشتغال و یا از راه دیگر مانند مهریه، ارث، ... صاحب اموالی شود، در مالکیت آن استقلال کامل داشته و حق هرگونه دخل و تصرفی را در این اموال دارد. در نتیجه حق وصیت را نیز در این اموال بصورت مستقل خواهد داشت. امادراین میان عده ای حقوق مالی زنان رابه رسمیت نمی شناسند، ازاین رو، این مقاله با استناد به آیات درصدد بیان حقوق مالی برای زنان است. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه ای در قالب میان رشته ای بااستناد به قرآن کریم به بیان استقلال اقتصادی زنان می پردازد. یافته ها حاکی ازان است، اسلام حق مالکیت واستقلال اقتصادزن را به رسمیت می شناسدوبه حقوق مالی واقتصادی زنان توجه کرده است، و بین زن ومردهیچ اختلافی دراین مورد وجود ندارد.

کلمات کلیدی: استقلال اقتصادی، زنان، درآمد، ارث، مهریه، وصیت.

^۱ مژگان جوانی، طلبه سطح ۳ تفسیر و علوم قرآنی حوزه علمیه زینبیه کرج،

مقدمه

یکی از اصول مسلم در دین اسلام حفظ کرامت انسان است. جان، مال، آبرو و عقیده همه در مکتب اسلام حرمت دارد و باید پاس داشته شود. در حفظ این حرمت و کرامت فرقی بین زن و مرد نیست زیرا زنان تقریباً نیمی از پیکره جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند و به عنوان مخلوقات خداوند مورد توجه و عنایت ویژه او هستند. بنابراین یکی از مسائل مهم و مورد توجه جامعه اسلامی، مسأله حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است. یکی از این حقوق، حقوق مالی زن است. در طول تاریخ زنان از موقعیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار نبودند و غالباً تحت ظلم و ستم قرار داشتند و حقوق انسانی و مالی آنها رعایت نمی‌شد و طبق عادات و رسوم و اعتقادات در مورد زنان تبعیضهای ناروا اعمال می‌شد. یکی از افتخارات نظام حقوقی اسلام این است که از همان ابتدا زنان را دارای حقوق مالی دانسته و حق مالکیت را برای آنها ثابت نمود. در این مقاله حقوق مالی زنان در قرآن مطرح می‌شود و آیاتی از قرآن که استقلال اقتصادی زنان را ثابت می‌کند بیان می‌شود.

طی سه دهه اخیر، در اثرتغییرات فرهنگی و اجتماعی بویژه در حوزه خانواده، حضور زنان در عرصه اقتصادی افزایش یافته است. از این رو برای زنان همچون مردان فرصت اشتغال و کسب آگاهی‌های لازم جهت امورات اقتصادی ایجاد شده است. و زنان به لطف اسلام به جایگاه‌های بالاتری نسبت به قبل دست یافته‌اند.

بحث استقلال زن در اقتصاد از مباحث بسیار مهمی است، که مورد توجه عرصه پژوهشگران قرار گرفته، که بیشتر به بیان نقش زنان در عرصه اجتماع و خانواده پرداخته‌اند. این وجود، کتاب یا مقاله‌ای که بصورت تفصیلی به بررسی استقلال اقتصادی زنان پرداخته باشد یافت نشد. اما مقالاتی که به بحث استقلال زنان توجه کرده، مقاله «تأثیر متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنان در ایران» اثر محمد جواد عباسی شوازی و ملیحه علیمندگاری در مجله زن در توسعه و سیاست بهار ۱۳۸۹ شماره ۱ به چاپ رسیده، در این مقاله به بیان اثر استقلال زنان تنها در رفتار باروری آنان پرداخته در حالیکه مقاله پیش روی به بیان استقلال زنان در قرآن و در تمامی امور پرداخته است، همچنین مقاله «زن و استقلال اقتصادی» در نشریه معرفت اردیبهشت ۱۳۸۴ شماره ۸۹ به چاپ رسیده، اثر احمد طاهری نیادراین مقاله نیز اگرچه به بحث اقتصاد زنان پرداخته اما بطور خاص به بیان استقلال اقتصاد زنان در قرآن نپرداخته، مقاله دیگر «استقلال و مالکیت اقتصادی زنان در اسلام و سنت یهودی - مسیحی» اثر شریف عبدالعظیم محمد و ابوالفضل

ایمانی راغب که در مجله بانوان شیعه در زمستان ۱۳۸۳ شماره ۲ به چاپ رسیده، در این مقاله استقلال زنان را تنها در سه عرصه اسلام، یهودیت و مسیحیت بیان می‌کند، در حالیکه مقاله پیش روی به بیان استقلال اقتصادی زنان در اسلام بحث می‌کند. وسایر پژوهش‌ها به استقلال زن در حوزه اقتصاد بطور خاص با استناد دهی از قرآن کریم پرداخته؛ از این رو پژوهش پیش روی امتیاز و بحث‌هایی بیان نشده دارد.

۱. معنای «استقلال اقتصادی»

«استقلال اقتصادی»، که ترکیبی از دو واژه «استقلال» و «اقتصاد» است، دو گونه کاربرد دارد: یکی در ارتباط با دولت‌ها و کشورها و دیگری در ارتباط با اشخاص و افراد. این اصطلاح در کاربرد نخست، به معنای خوداتکایی دولت یا ملت به منابع مالی خود و تولیدات داخلی و عدم وابستگی به دولتهای بیگانه است. (جعفریلنگرودی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۳۸۴) اما در کاربرد دوم، به سه معنای ذیل به کار می‌رود:

الف: (اهلیت مالکیت و صالحیت بهره‌مندی از اموال و دارایی این مقدار از استقلال اقتصادی برای هر انسانی، حتی کودک و دیوانه، وجود دارد که در قانون مدنی ماده ۹۵۶ آمده است: اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود. نقطه مقابل این معنا عدم اهلیت برای مالکیت است که مصداق آن در گذشته، بردگان بودند و اکنون برای آن مصداق عینی یافت نمی‌شود.) (طاهری نیا، ۱۳۸۴: ۶۲).

ب: (استیفای حق مالکیت و تصرف در اموال خود این اهلیت مختص بالغ عاقل رشید است. کسی که شرعاً و قانوناً بتواند در دارایی‌های خود تصرف کند و اداره اموالش به دست خودش باشد، استقلال اقتصادی به این معنا را داراست. بنابراین، افراد نابالغ و غیرعاقل و غیر رشید مثل صغیر، سفیه و مجنون که اهلیت تصرف در اموال خود را ندارند و اداره اموالشان به دست نماینده قانونی آنهاست، استقلال اقتصادی به این معنا را ندارند.) (طاهری نیا، ۱۳۸۴: ۶۲)

ج: (اتکا به خود در تأمین هزینه‌های فردی و عدم وابستگی مالی به غیر کسی که درآمدی دارد و از راه کسب و کار خویش زندگیش را اداره میکند و در هزینه‌های جاری خود وابسته به کسی نیست استقلال اقتصادی به این معنا را دارد. الزمه این معنا از استقلال اقتصادی، بهره‌مندی از درآمد مالی است. بنابراین، کسانی که درآمد مالی ندارند و نمیتوانند خود را اداره کنند، استقلال اقتصادی ندارند. برای مثال، فرزندی که در هزینه زندگی به پدر وابسته است، استقلال اقتصادی ندارد.) (طاهری نیا، ۱۳۸۴: ۶۲)

۲. استقلال اقتصادی زن در آیات قرآن مقصود از «استقلال اقتصادی زنان» در این مقاله، کاربرد دوم آن است. ادله قرآنی استقلال اقتصادی به معانی یاد شده را برای زن اثبات میکند. این آیات به طور صریح زنان را مالک ارث و اموالی که کسب میکنند، قرار داده است که در ذیل به ذکر و بررسی آنها پرداخته میشود:

الف. کسب و درآمد

در اسلام فعالیت اقتصادی برای زنان جایز شمرده شده است؛ آیاتی در قرآن آمده است که میتوانیم جواز فعالیت اقتصادی و اشتراک میان زن و مرد را از آنها نتیجه بگیریم. آیاتی از قرآن که ابتغای از فضل خداوند و جستجو و طلب آن را بیان کرده و مردم را به آن فراخوانده است. عبارتند از: «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ»؛ از فضل خدا جویا شوید (جمعه: ۱۰). یا مردم را دعوت به آبادانی زمین کرده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ او شما را از زمین پدید آورد و برای آباد ساختن آن برگماشت». (هود: ۶۱). در هیچ یک از این آیات، خصوص مردان مخاطب نیستند. بلکه مجموعه مسلمانان یا انسانها مورد توجه قرار گرفته‌اند و همگی به طلب فیض الهی که تحصیل درآمد یکی از مصادیق آن است، دعوت شده‌اند. بیشک کار یکی از مهم‌ترین مجاری کسب مال محسوب میشود و اسالم نیز به آن توجه خاص کرده است، پس اگر مردان و زنان به فعالیت اقتصادی دعوت شده‌اند و کار از مصادیق بارز این امر محسوب میشود میتوان گفت: مردان و زنان به کار و اشتغال تشویق شده‌اند. (چگینی، ۱۳۹۱: ۳۶). علاوه بر اینکه کار و اشتغال برای زنان جایز شمرده شده است در؛ آیه دیگری از قرآن خداوند میفرماید: زنان مالک در آمد خویش محسوب میشوند: «الَّتِي تَتَمَنَّوْنَ مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ نسبت به آنچه شما ندارید و خدا به دیگران مرحمت فرموده تمنا مکنید، - و نگوئید ای کاش من نیز مثل فالن شخص فالن نعمت را می‌داشتم،- زیرا این خدا است که - به مقتضای حکمتش - بعضی را بر بعضی برتری داده، هر کسی چه مرد و چه زن بهرمندیش از کار و کسبی است که دارد،- اگر درخواستی دارید از خدا بخواهید، فضل او را بخواهید، که او به همه چیز دانا است». (نساء: ۳۲). مرحوم عالم طبرسی در شأن نزول آیه آورده است: «ام سلمه به پیامبر عرض کرد: چرا مردان به جهاد میروند ولی زنان جهاد نمیکنند؟ و چرا برای ما نصف میراث مردان مقرر شده است؟ سپس افزود: ای کاش ما هم مرد بودیم و همانند آنان به جهاد میرفتیم» (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۵، ۱۲۵) در پاسخ به این سؤال این آیه نازل شد. در این آیه، نخست به این نکته تصریح شده است که برخی از برتریها، با توجه به شرایط خاص و بر اساس نظام احسن در وجود مردان یا زنان نهاده شده است و این تفاوتها هر کدام اسراری دارد که پای نظام اجتماعی بشر است و مطابق عدالت و قانون ارزشمند الهی است. بنابراین آرزو کردن اموری که خداوند در طبیعت افراد نهاده است و بر اساس آن، قوانین متفاوتی تشریع کرده، نادرست است. برخی از این برتریها در دو طایفه زنان و مردان وجود دارد. (نک: داوودی، ۱۳۸۴: ۲۳۳) قرآن کریم در ادامه میفرماید: هریک از مردان و زنان از کوششها و تالشهای خود بهره‌ای دارند، بدین معنا که هرچند تفاوتی طبیعی میان زن و مرد وجود دارد ولی این تفاوتها، هرگز مانع از تالش هریک از این دو صنف برای به دست آوردن پیروزیها و بهره‌گیری از کوششهای اختیاری نخواهد بود بخشی از کوششها، همان تالشهای مالی و مادی است که مردان مالک تالشهای خود و زنان نیز مالک تالشهای خویشان و هرچه را از اموال به دست آورند، متعلق به خودشان است. (نک: داوودی،

۱۳۸۴: ۲۳۴). در مورد کلمه اکتساب عالمه طباطبائی در ذیل این آیه آورده است «مراد از اکتساب درآیه نوعی حیا و اختصاص دادن به خویش است، اعمّ از اینکه اختصاص دادن به وسیله عمل اختیاری باشد، نظیر اکتساب از راه صنعت و یا حرفه، و یا به غیر عمل اختیاری، لیکن، بالاخره منتهی شود به صفتی که داشتن آن صفت باعث این اختصاص شده باشد، مانند مرد بودن مرد و زن بودن زن» (طباطبائی، بیتا: ج ۴، ۵۳۴). بنابراین قرآن مجید در این آیه کریمه همانطور که مردان را در نتایج کار و فعالیتشان ذیحق دانسته، زنان را نیز در نتیجه کار و فعالیتشان ذیحق

شمرده

است (مطهری،

۱۳۷۲

202). از جمله نکات این آیه، به رسمیت شناختن حق مالکیت برای زنان است. باید توجه داشت که در این آیه خداوند میتواند بفرماید: هر کس مالک کسب خویش است، ولی با دو جمله جدا و مستقل، بر مالکیت زن نسبت به کسبش همانند مرد تأکید کرده است. (جوادی آملی، 1372: 40) حق مالکیت زنان، علاوه بر آیات قرآن کریم، در روایات نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. از آن جمله میتوان به روایتی از پیامبر، اشاره کرد. آن حضرت میفرماید: «تمام انسانها در بهره‌برداری از سرمایه‌های خویش آزاد میباشند». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۷۲). در روایت دیگری، زراره از امام باقر روایت کرده است: «هرگاه زن، مالک کار خویش شود - از تحت قیمومت و ولایت خارج شود - میتواند بنده خرید و فروش کند، آزاد کند و میتواند در حضور قاضی شهادت دهد و از مال خود احسان نماید، زیرا کار او جایز است» (حرآملی، 215، ۱۴: ج ۱۴۰۹)، از این دو حدیث نیز نتیجه میگیریم که هرگاه زن به رشد و کمال برسد، در تمام مسائل شخصی و حقوق اجتماعی آزاد است و در اداره اموال خود نیز دارای استقلال و اختیار میباشد و بدون اجازه ولی میتواند هرگونه تصرفی در اموال خویش داشته باشد. (عظیمزاده اردبیلی، 1388: 38). تذکر این نکته ضروری است که آنچه به عنوان دیدگاه قرآن، در ارتباط با اشتغال زنان و مالکیت آنها بر درآمد خود بیان شد مربوط به نفس کار و تالش اقتصادی و بیان جواز این عمل برای زنان است. اما اینکه زنان برای حضور در محل کار چه شرایطی را باید رعایت کنند، چه شغلی برای زن شایسته تر است، کدام کار با حالت روحی و جسمی زن متناسب است، حق تقدّم با کار خانه است یا بیرون، در صورت تراحم میان رسیدگی به فرزندان و همسر و اشتغال به کار بیرونی، ترجیح با کدام است، پاسخ این پرسشها باید در جای خود به طور جداگانه بحث شود. اما اجمالاً بیان می‌شود، که بر اساس آموزه‌های دینی، خانواده در اسالم اصلی بنیادین بوده و حفظ و حراست از آن الزم است. زن رکن خانواده و مظهر خالقیت خدا و وظیفه تولید نسل و پرورش و تربیت آن را بر عهده دارد. حق اشتغال زن، نباید سبب از هم پاشیدن خانواده یا کنار گذاشتن وظیفه پرورش نسل سالم شود. بنابراین، در مواقع تراحم بین کار و ازدواج، یا کار و رسیدگی به وظایف همسری و پرورش کودک، و عدم امکان جمع بین آنها، خانواده مهمتر است و بر اساس اصل تقدیم اهم بر مهم، در امور متراحم باید اشتغال زن فدای حفظ خانواده شود. (طاهری نیا، ۱۳۸۳: ۷۹).

ب. ارث

مأثده نیز از گواه بر وصیت به هنگام مرگ سخن می گوید در آنجا آمده است که، مؤمنان به هنگام مرگ برای حفظ حقوق ورثه و بازماندگان و ایتام و صغار، وصیت کنند و دو تن عادل را برای این وصیت گواه بگیرند. آن حکم نیز شامل زن و مرد می باشد. 2. در برخی از آیات به طور خاص، سخن از وصیت زن آمده است و این حق را برای او محفوظ داشته است؛ همانگونه که برای مردان چنین حقی را قرار داده است. در آیات ارث، وقتی که سخن از سهام هریک از زن و مرد است، به حق وصیت آنان تصریح شده است. در سوره نساء آیه ۱۲ آمده است: «وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ؛ و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست؛ پس از ادای وصیتی که کرده اند و ادای دین آنها.» در این آیه، جمله «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا» بر حق وصیت زنان داللت دارد، که در واقع این حق وصیت، از حق مالکیت زنان و استقلال اقتصادی آنان ناشی می شود. در ادامه آیه، از حق وصیت مردان سخن می گوید و می فرماید: «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصِّينَ بِهَا» که در واقع نشان می دهد زن و مرد هر دو به طور یکسان از حق وصیت برخوردارند و هر دو صنف می توانند در اموال خویش وصیت کنند. (داوودی، ۱۳۸۶: ۵).

آیا تصرف زن در اموال خود منوط به إذن همسر است؟

دراستقلال زن در تصرفات مالی خویش درآمد کسب، ارث و...، اینکه مشروط به اذن همسر هست یا نه، بین اختلاف نظر است؛ عده ای آن را منوط به إذن همسر میدانند و گروهی تصرف زن را بصورت مستقل جایز دانسته است که به اختصار بیان میشود. 1. شیخ صدوق به سند خود از حسن بن محبوب از عبدالله بن سنان و او از امام صادق روایت کرده است: زن بدون اجازه شوهر، مجاز به برده آزاد کردن، صدقه، تدبیر و نذر از مال خود نیست. (کلینی، ۱۳۵۰: ج ۵، ۵۰۶) جابر یزید جعفی میگوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: برای زن جایز نیست از اموال خود بدون اجازه شوهر برده های آزاد کند یا کار خیری انجام دهد. (صدوق، بیتا: ۳۵۸۵). جمیل بن درّاج از بعضی اصحاب پرسید: آیا زن بدون اجازه شوهر میتواند از اموالش ببخشد؟ فرمود: نه. (طوسی، ۱۳۷۴: ج ۷، ۴۶۲، ۴). حرمله بن یحیی، از عبداهللبن وهب، از لیث بن سعد از عبداهلل بن یحیی بن مالک، از پدرش، از جدش خبر داده است که جدّهایش، خیره، همسر کعب بن مالکی از زیورهایش را برای انفاق در راه خدا، خدمت پیامبر، آورد. حضرت به وی فرمود: زن نمیتواند در مال خود بدون إذن شوهر تصرف کند؛ آیا از کعب اجازه گرفتهای؟ خیره گفت: بلی، پیامبر، به دنبال کعب فرستاد و از او پرسید: آیا به خیره برای انفاق زیور خود از شما اجازه دارد؟ گفت: بلی. در این حال، رسولاهلل، آن را قبول نمودند. (قزوینی، بیتا: ج ۲، ۵۷۹۸). وائله بن اسقع از پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم)، نقل کرده است: زن نمیتواند چیزی از مال خود را بدون إذن شوهر ببخشد. (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۵، ۶۱۵). وائله میگوید: رسول خدا فرمود: زن نمیتواند از اموال خود بدون إذن شوهر خرج کند. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ۷۲۸۴). ابنماجه از ابویوسف رقی از محمد بن احمد صیدالنی، از محمد بن سلمه،

از مثنی بن صباح، از عمرو بن شعیب، از پدرش، از جدش از رسول خدا، نقل کرده: اگر زن در عقد نکاح مردی است و شوهر دارد، تصرف وی در اموالش بدون إذن شوهر صحیح نیست. (قزوینی، بیتا: ج ۲، ۷۹۸).

بررسی روایات

از مجموع روایات یاد شده فقط روایت اول، از نظر سند، معتبر و به نظر برخی، صحیح است. (سبزواری، بیتا: ۲۲۸) اما خبر دوم به سبب جعفر بن محمد بن عماره ضعیف و روایت سوم به خاطر اضرار و ارسال خالی از اعتبارند. چهار خبر بعدی نیز از جوامع روایی اهل سنت و غیر قابل اعتماد میباشند. حتی برخی از آنها، مثل روایتهای عمرو بن شعیب (تمیمی بستی، بیتا: ج ۲، ۷۲) و (عبدالله بن یحیی یوسفالمزی ابوالحجاج، ج ۳۵، ۱۶۶) از نظر دانشمندان اهل سنت نیز مخدوش هستند. روایت اول نیز گرچه از نظر سند معتبر است، اما فقیهان به مفاد آن به طور کامل ملتزم نشده اند (نجفی، ۱۳۹۴ق: ج ۱۷، ۳۳۸) بلکه فقط مشروعیت نذر زن را به إذن شوهر وابسته دانسته اند. (فاضلابی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ۳۳۰) البته در این مسئله نیز فقیهان کم و بیش اختلافاتی دارند؛ برخی نذر زن بدون اجازه شوهر را مکروه دانسته و گفته اند: زنی که بدون إذن شوهر نذر کند معصیت کرده، اما نذرش صحیح است و شوهر نمیتواند آن را رد کند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۱) اما برخی دیگر گفته اند: نذر، منعقد، ولی شوهر میتواند آن را رد کند. (فاضلابی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ۳۳۰) اما بسیاری از فقیهان بر این عقیده اند که نذر زن بدون إذن شوهر منعقد نمیشود و إذن شوهر شرط انعقاد آن است. در این میان عدهای هم تصرف زن را بصورت مستقل جایز دانسته و آن را مشروط به إذن همسر ندانسته اند از جمله شیخ طوسی میفرمایند: «با بلوغ دختر و رشد او، اموالش تحویل او میگردد و او مجاز است که هر نوع تصرفی در آن معمول دارد؛ چه شوهر داشته باشد یا خیر و در صورت داشتن شوهر نیز تصرف زن در اموال خودش نیاز به إذن شوهر ندارد». (الطوسی، بیتا: ج ۳، ۲۸۶). شیخ مفید نیز آورده است: «زن هنگامی که عقل کامل و رأی استوار داشته باشد، در ازدواج و معاملات از قبیل بیع، شراء، تملیک، هبه، قرض، صدقه و سایر تصرفات خود اولویت دارد». (مفید، ۱۴۱۳: ۳۶) صاحب حدائق فرموده است: «اختلافی میان فقهاء نیست که زن پس از بلوغ، حق تصرفات مالی دارد. چنانچه در برخی روایات آمده که باید از شوهر إذن بگیرد، اصحاب آن را حمل بر استحباب کرده اند». (مهریزی، ۱۳۸۲: ۲۷۷).

نتیجه گیری

در حالیکه در قرون گذشته زنان از هرگونه حقی از جمله حقوق اقتصادی خود محروم بود. ولی اسلام تحول عظیمی را در وضعیت زنان بوجود آورد و نقش مهمی را در رساندن زنان به حقوق خود ایفا کرد. و در اموالی مثل درآمد حلال، مهریه، ارث و... حق مالکیت برای آنان قائل شد. تصرف مستقل آنان در این اموال نیز اجمالاً مورد اتفاق فقیهان است و فقط در مسئله نذر اختلاف نظر است. با شناخت این حقوق به این نتیجه میرسیم که دیدگاه اسلام

نسبت به زنان دیدگاه تکریم است. بنابراین اسالم بین زن و مرد از لحاظ جنسیت هیچ تبعیضی قائل نشده و تمامی حقوق زن را مانند مرد به رسمیت شناخته است و اگر در مواردی بین زن و مرد تفاوتی دیده میشود از باب تحقیر و کمتر دانستن ارزش زن نسبت به مرد نیست

قرآن

۱. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیجا: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۲. تمیمی بستی، محمد بن حبان، کتاب المجروحین، تحقیق محمود ابراهیم زائد، بیجا

بینا، بیتا.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمونولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸.
۴. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، قم: اسراء، ۱۳.
۵. چگینی، شکوفه، حقوق اقتصادی زن در اسلام، مشهد: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح آفتاب، ۱۳۹۱.
۶. حکیمپور، محمد، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران: نغمه نواندیش، ۱۳۸۴.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آلالبیت، ۱۴۰۹ ق.
۸. خزائلی، محمد، احکام القرآن، تهران: سازمان انتشارات جاودان، ۱۳۶۰.
۹. دادمرزی، سیدمهدی، فقه استدلالی، قم: دادگستر، ۱۳۷۸.
۱۰. سبزواری، کفایة الاحکام، اصفهان: مدرسه صدر مهدوی، بیتا.
۱۱. چگینی، شکوفه، حقوق اقتصادی زن در اسلام، مشهد: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح آفتاب، ۱۳۹۱.

۱۲. حکیمپور، محمد، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران: نغمه نواندیش، ۱۳۸۴.
۱۳. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائلالشیعه، قم: مؤسسه آلالبیت، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. خزائی، محمد، احکامالقرآن، تهران: سازمان انتشارات جاودان، ۱۳۶۰.
۱۵. دادمرزی، سیدمهدی، فقه استدلالی، قم: دادگستر، ۱۳۷۸.
۱۶. سبزواری، کفایة الاحکام، اصفهان: مدرسه صدر مهدوی، بیتا.
۱۷. صفایی، حسن، حقوق خانواده، ج ۲، قم: دادگستر، ۱۳۷۸.
۱۸. صالحغفاری، محمدعلی، آیاتالنساء، تهران: برهان، ۱۳۶۴.
۱۹. صدوق، علی بن بابویه، الخصال، ترجمه احمد فهری زنجانی، بیجا: علمیه اسلامیة، بیتا.
۲۰. طباطبائی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسویهمدانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۳.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمعالبیان، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰.
۲۲. طوسی، ابوجعفر، کتابالخلاص، قم: دارالکتب العلمیه، بیتا.
۲۳. عظیمزاده اردبیلی، فائزه، مطالعه تطبیقی حقوق زن از منظر اسلام و غرب، تهران: مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۸.
۲۴. فهمی، فاطمه، زن و حقوق مالی، تهران: خرسند، ۱۳۸۸.
۲۵. فاضلابی، کشف الرموز، تحقیق علیپناه اشتهاردی و حسینیزدی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۸ ق.
۲۶. قزوینی، محمدبن یزید، سنن ابنماجه، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالفکر، بیتا.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰.
۲۸. طاهرینیا، احمد، مجله معرفت، (مقاله، زن و استقلال اقتصادی) (شماره: ۸۹)، ۱۳۸۴.
۲۹. طاهرینیا، احمد، مجله معرفت، (مقاله، فعالیت اقتصادی زنان از دیدگاه قرآن) (شماره: ۸۳)، ۱۳۸۳.
۳۰. داوودی، سعید، مجله معارف قرآنی، (مقاله، تساوی حقوق زن و مرد در قرآن کریم ۱۳۸۶).
۳۱. میرخلیلی، سیداحمد، مجله کتاب نقد، (مقاله زن در حقوق خانواده) (شماره ۱۲:۱۳۷۸).
۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. مطهری، مرتضی، حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱.
۳۴. مفید، محمدبن نعمان، احکامالنساء، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳.

۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ .
۳۶. مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران: شرکت انتشارات علمی و

فرهنگی، ۱۳۸۲

۳۷. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴ ق.
۳۸. هیثمی، نورالدین، مجمعالزوائد و منبعالفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۳۹. یوسفالمزی ابوالحجاج، تهذیبالکمال، تحقیق بشار عواد معروف، بیجا: مؤسسه رساله، ۱۴۰۶ ق.